



سیدمصطفی هاشمی طباطبائی

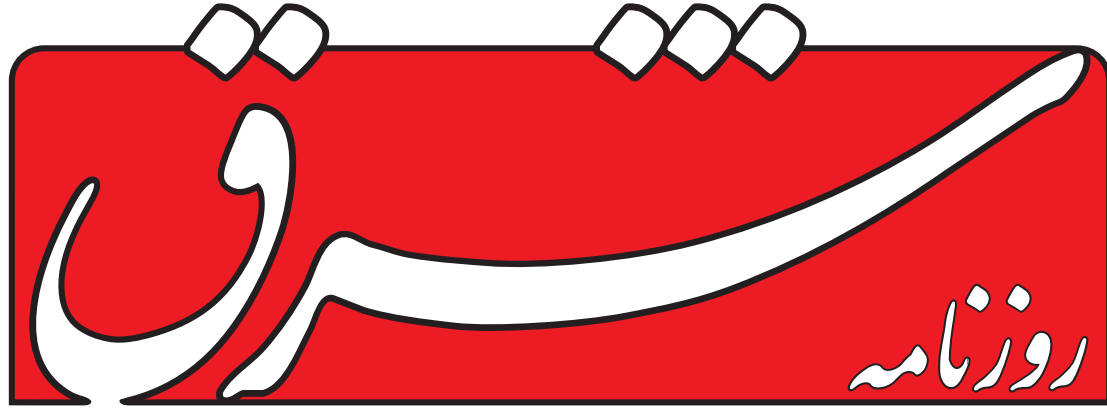
روزنامه فقیهه همشهری که در اجرای رسالت «جهاد تبیین» همواره با نگاهی خاص سعی در امیدوار کردن مردم و ارائه آمار، تصاویر، نقاشی ها و گرافیک های مختلف حسب دلخواه مدیران خود و شهرداری و حاکمیت دارد، این بار در صفحه ۶ روزنامه مورخ ۱۴۰۳/۲۳/۱۴ مطلبی تحت عنوان «بلای ۸۰ هزار میلیارد تومانی» چاپ کرد. ذیل تیر آن نوشته، زلزله، سیل یا فرونشست زمین، کدامیک بیشترین آسیب را به ایران می زند و با حروف قرمز بزرگ این عبارت را چاپ کرده است: «۹۰ درصد جمعیت ایران در معرض سیل، زلزله و نشست زمین اند». البته همان طور که قبلا بارها گفته اند و گفته ایم، به این سه تفنگدار تخریب ایران می توان رودخانه های فاضلابی، جاهای خشک و آب شور، تالاب های خشکیده و آلوده، زمین های پرپسماند، هوای آلوده و خیلی چیزها اضافه کرد و به قول معروف کک هیچ کس هم کزیده نمی شود. البته مقصود از «هیچ کس» حاکمیت است.

اگر این حرف ها در رسانه های معاند و دشمن و فاسد الاخلاق منعکس می شد، می توانستیم بگویم سیاه نمایی می کنند ولی همشهری یعنی روزنامه حاکمیتی مطلب را چنین واضح و گزنده درج کرده است.

موضوع تخریب ایران و آینده ناآباد آن و به خطر افتادن کشاورزی و محیط اندکی مردم، بارها و بارها در همین ستون و نیز توسط دلسوزان ایران و مردم آن در رسانه های مختلف گفته شده است ولی ظاهرا گوشه ای برای شنیدن آن پیدا نمی شود و نتیجه آنکه در برنامه هفتم توسعه (که معلوم نیست کجا و در چه مرحله ای از تصویب است) و قانون بودجه سالانه کشور کمترین توجهی به سرمایه گذاری برای جلوگیری از تخریب ایران نمی شود و حتی موضوع آبخیزداری که مورد تأیید همه صاحب نظران است، به صورت قطره چکانی و پیش بینی ۳۰ ساله اجرای آن مطرح می شود و بهانه آن هم نداشتن پول است. به یاد دارم در برهه ای از تاریخ در زمان تصدیگری سازمان تربیت بدنی در دولت پیشنهاد کردم که معادل دو هزار میلیارد تومان در یک سال به سازمان تربیت بدنی اختیار بدهند تا همه طرح های عمرانی ورزشی در یک سال تکمیل شود و در سال های بعد این اعتبار را از ما کم کنند. مرحوم دکتر نوربخش گفتند این امر باعث تورم می شود. کجاست آقای دکتر نوربخش که ببیند بودجه تا چه حد متورم شده و در کنار آن برای آبخیزداری و سایر امور حیاتی کشور بودجه ای موجود نیست.

از طرفی هیچ گونه سیاست گذاری برای مصرف بهینه مصالح ساختمانی وجود ندارد. در کنار همین تهران ویلاهای چند هزار متری ساخته می شود که آخر هفته مورد استفاده قرار می گیرد و مصالحی که باید صرف بازسازی روستاها و بافت های فرسوده شود، صرف شادمانی خانم و آقا و سگشان می شود. روستاهای کشور با یک زلزله پنج ریشتری روی سر روستائیان خراب شده و آنها را آذاغدار و از هستنی ساقط می کند. تازه انقلابی هستیم، اگر انقلابی نبودیم چه چاه که نمی شد! مجلس موجود با وجود سخنان چندبارة رئیس مجلس درخصوص اتخاذ تصمیم های مهم و سخت هیچ خاصیتی نداشت. مجلس آینده هم هیچ خاصیتی ندارد جز جنگ و دعوی گروه های خلق الساعه شان و ماما و قاقا و جانا و مصاف و طواف و رفاه و دیگر نخواست های مدعی سیاست و نه مدعی بهروری مردم و حیات ایران زمین؛ چراکه دعوا سر لحاف ملا است. در مجالس گذشته و دولت های گذشته و در بین علما و متخصصان و دین داران بحث بر این بود که توسعه درست است یا پیشرفت. آیا توسعه امری فراماسیونری است و اهداف شیطانی در پشت آن است یا درست است و بالاخره پیشرفت، پیشرفت! کرد و برنده شد. البته علی رغم همه چیز بالاخره برنامه توسعه ششم و برنامه «توسعه» هفتم نوشته شد ولی از اصل مطلب که توسعه یا پیشرفت یا هر لغت دیگری را مفهوم مورد نظر باشد، حاصل نشد و اینک با توجه به آنچه در همشهری نوشته شده است، ما در حال سیرفت هستیم و باید پیشرفت را متوقف کنیم تا به نقطه خنثی یا صفر برسیم. آن گاه پیشرفت یا توسعه را شروع کنیم. اخیرا جامسکی متفکر معروف گفته است کشوری که می خواهد کشور دیگری را نابود کند، اسرائیل است که می خواهد کشور فلسطین را نابود کند. همین جا در حاشیه بگویم که با توجه به نابود کردن مشهور ملل متحد در سازمان ملل توسط نماینده صهیونیست ها، به دلیل آنکه مشروعیت اسرائیل براساس همین مشهور ملل متحد تصویب شده است، با پاره کردن آن توسط اسرائیل رای به بطلان این مشروعیت داد. بعد از حاشیه، ظاهرا جامسکی فراموش کرده کشوری که به دست خود می خواهد خود را نابود کند هم وجود دارد و آن ایران است.

پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳
۷ ذی القعدة ۱۴۴۵
۱۶ می ۲۰۲۴
سال بیست و یکم
شماره ۴۸۳۵
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



روزنامه

سخنگوی قوه قضائیه:
در برخورد با فساد
با هیچ شخص یا گروهی
مماشات نخواهیم کرد



پس از موافقت نمایندگان مجلس، در صورت تأیید شورای نگهبان، تعطیلی روزهای شنبه از **اواخر خرداد** اجرائی می شود

یک قدم تا تعطیلی شنبه

گزارش تیشریک را در صفحه ۸ بخوانید



بازار مسکن دستوری شد

دولت طرح جدیدی برای قیمت گذاری دستوری زمین، مسکن و اجاره بها روی میز آورد

یادداشت

چراغ ها را خودمان روشن نگه داریم



ترانه یلدا

معمار و شهرساز

شنبه گذشته برای رونمایی از کتاب «آمادگی مدرسه و خانواده در برابر زلزله»، به دعوت دوستانه وجود خانم لیلا کفکش زاده که زحمت هماهنگی چاپ کتاب را با نشر کیوی کشیده بود، به نمایشگاه سالانه کتاب در مصلا امام خمینی تهران رفتم. آن روز مسیر تولید این کتاب چنان خوب توضیح

داده شد و آن قدر افراد دلسوز و نازنینی که در آن جلسه حضور داشتند، مدنی و شایسته رفتار کردند که مرتب با خود می گفتم: اگر در تمام شئون زندگی بتوانیم این گونه مستقل، آگاهانه، دسته جمعی و با عشق و علاقه عمل کنیم، ایران گلستان می شود! البته تا همین جا هم کم نبوده اند در این مرزوبوم انسان های بزرگی که از قدیم در کسوت خیرین مدرسه ساز یا محک و پنهام دهش پور در امر خیر عمومی دست به کار شده اند؛ یا امثال خانم فخره صبا و همسرش علیرضا افضلی پور که در کرمان دانشگاه ساختند؛ فرهیختگانی مانند نگار اسکندری که به فراخور نیاز جامعه، مؤسسات آموزشی هنری و سینمایی دایر کرده اند. هزاران نفری که در همین سال های اخیر با راه اندازی کافه های زیبا در خانه های قدیمی در این شهر بی نفس هم خانه ها را حفظ کرده اند و هم محیطی زیبا برای جمع شدن جوانان و خانواده ها تدارک دیده اند. حتی دیروز خبر رسید دوستان «شرق» هم مدرسه کاربردی هنر و علوم ارتباطات خود را برای علاقه مندان به رسانه دوباره فعال کرده اند. آری، در همه جای دنیا نیز چنین است: مردم بنا بر توانایی و سلیقه خود راسا محیط هایی را برای تولید و خدمات و آموزش می آفرینند که به مراتب بهترند، زیرا این کارها یا کسب و کارها، با عشق و با دستمایه صاحبان شان برپا شده اند و از ابتدا قرار بر این است که عملکردشان کارا و مقبول باشد. کار لیلا کفکش زاده هم جالب بود. او برای میهمانانش چنین روایت کرد: «... در نهایت فقط یکی، دو کتاب به زبان فارسی با موضوع زلزله برای کودکان در اینترنت یافتیم، اما صدها کتاب به انگلیسی درباره زلزله، سیل، تورنادو، توفان، سونامی، آتشفشان و... همان جا وجود داشت. کتاب را یافتیم و برای ترجمه به خانم پویک جوان، از دوستانم در شورای کتاب کودک سپردم، اما مطالب باید «بومی سازی» می شد.

بین مراکز آموزشی و پژوهشی زلزله، دکتر پورا احمد را در مرکز ژئوفیزیک دانشگاه تهران یافتیم. نقاشی ها ایرانی شدند. سرخ مردم شناسان میراث فرهنگی و پژوهشگران بحران هم رفتیم. خلاصه کتابی از کار درآمد که خواندن گروهی آن یا بچه ها در مدارس و در مانورهایی که باید به

طور منظم از طرف هلال احمر در مدارس اجرا بشود، بتواند ذهن کودکان را برای «زندگی با زلزله» آماده کند». آنچه به جلسه آن روز رنگ و بویی ویژه داد، حضور دوستانی از هلال احمر و نیز کودکان سرودخوان هلال احمر بود. ایشان گفتند متأسفانه فقط یک بار در سال مانور زلزله در مدارس اجرا می شود. به هر حال، اگر این کارها جدی دنبال شود، آمادگی اولیه ای برای زلزله در خانواده ها ایجاد خواهد شد، اما داستان کیف نجات و پناهگیری زیر میز اولین گام است و چیزهای زیادی باید هنوز در شهرها و ساختمان های ناپایدار آنها سامان بگیرند. در جامعه ما خیلی ها بنا بر تجربه باور دارند از دست دولت کار زیادی بر نمی آید و مردم باید خودشان در سطح خانواده و محله برای بحران ها آماده شوند. مهندس امینی، مؤسس گروه مجازی آمادگی برای زمین لرزه، می گوید: ما ندان طمع را باید از کمک های دولت و شهرداری بکشیم. خودمان باید به فکر خودمان باشیم. باید برنامه ای کام به کام بچینیم و بیشتر هم آن را در گروه های محلی یا خانوادگی مجازی پیش ببریم. با کوچه بالایی ها و کوچه یابینی ها هماهنگ بشویم که در آن ۷۲ ساعت اول زلزله چگونه عمل کنیم... ما باید روزمره با خطرات زندگی کنیم و آنها را پیش بینی و حل کنیم. سؤال این است: این استقلال تا کجا؟ ما در اجتماعی زندگی می کنیم که در سطوح محله تا منطقه و کلان شهر، امکانات و خدماتی باید برای ساکنان داشته باشند. جوامع شهری ما باید در نزدیکی خود فضاهای سبز و بازی داشته باشند که در هنگام زلزله شهروندان به آنهاجا پناه ببرند و بداند غیرعامل، هلال احمر، سازمان مدیریت بحران و تمام سیستم شبکه های بهداشت و درمان بتوانند با دسترسی مناسب به کمک مردم بشتابند.

همزمان با نمایشگاه کتاب

۳۰٪
تخفیف

نمایشگاه مجازی انتشارات شرق
۱۴ تا ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره سفارشات
۰۲۱۸۸۹۴۲۰۳۵
۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴

معرفی کتاب

علاءالدین

سید مصطفی موسی پور حسینی

۳

۱۱

۹

۱۰

۶

۱۲

برگزیده ها

بررسی تأثیر تحولات داخلی ارمنستان بر امنیت ایران در گفت و گو با سیدعلی سقائیان

پرونده زنگزور برای همیشه بسته شده است

آمارهای متناقض در صنعت ساختمان

فهرست ناتمام بیمه

پیراهن مشکی را چسبیده ایم «آزادی» را ول کرده ایم

چرا پیام مرگ پزشکان را نمی شنوید؟

در جست و جوی زمردهای نهفته یادداشتی از بیژن جهانگیری

کد تخفیف

sharghbook1403

